

تحلیل آرای مستشرقان در موضوع شکل‌گیری باورداشت

مهدویت نزد شیعه و اهل سنت

زهیر دهقانی آرانی^۱مسعود زائری^۲

چکیده

اندیشه مهدویت و مباحث مربوط، از جمله موضوعاتی است که به دلیل وجود شاخصه‌های استراتژیک و راهبردی، همواره مورد توجه ویژه بسیاری از مستشرقان قرار گرفته است. مواجهه مستشرقان با این موضوع، در مرحله نخست، ایشان را با دو مفهوم مهدویت شیعی و مهدویت اهل تسنن آشنا ساخت. عده‌ای از این مستشرقان با تمرکز بر موضوع مهدویت نزد فریقین، به بررسی دقیق و مقایسه این اندیشه در میان این دو گروه اقدام کردند. شکل‌گیری و بیان منشأ اندیشه مهدویت نزد شیعه و اهل تسنن، بیان مشابهت‌ها و اختلاف‌ها و مقایسه کارکردها، از جمله مواردی است که در مکتوبات و آثار مستشرقان به وفور یافت می‌شود. در نوشتار حاضر، ضمن مطالعه و بررسی آثار مستشرقان، تمرکز اصلی بر بیان دیدگاه‌های ایشان در مورد مقایسه منشأ شکل‌گیری اصل اندیشه مهدویت میان فریقین بوده و دو نظریه اصلی در این زمینه، یعنی استقلال هر دو فرقه در شکل‌گیری مهدویت و نفوذ از شیعه و به اهل تسنن با رویکردی توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: مستشرقان، مستشرقان و مهدویت، مهدویت نزد اهل سنت و شیعه، مقایسه تطبیقی.

zdarani@ut.ac.ir

۱. استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران، ایران.

۲. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، ایران. (نویسنده مسئول)

masoodzaeri1368@gmail.com

مقدمه

موضوع آخرالزمان و منجی نجات بخش پایانی، از جمله موضوعاتی است که به دلیل اهمیت آن و همچنین به دلیل مشترک بودن میان تمام ادیان الهی از گذشته تاکنون همواره در کانون توجه اندیشمندان و متفکران در سراسر جهان بوده است. معرفی عیسی مسیح در دین مسیحیت، ماشیح در شریعت یهود و امام مهدی علیه السلام در دین مبین اسلام، از جمله مسلماتی است که پیروان این ادیان همواره مشتاق و منتظر ظهور آن‌ها هستند.

در این بین رشد روزافزون گرایش به اسلام در دنیای کنونی و همچنین اتفاقاتی با رنگ و بوی منجی‌گرایی اسلامی و امام مهدی علیه السلام از جمله ظهور برخی مدعیان مهدویت همچون مهدی سودانی، وقوع انقلاب اسلامی ایران، ظهور و گسترش گروه‌های تکفیری با گرایش‌های موعودگرایانه و نیز برخی دیگر از اتفاقات سیاسی - مذهبی، از جمله مواردی بوده که حساسیت جهان غرب و اندیشمندان را نسبت به این موضوع برانگیخته است.

جیمز دارمستتر فرانسوی، با نگارش کتاب «مهدی از گذشته تا کنون»، نام خود را به عنوان مستشرقی که اولین کتاب را در موضوع مهدویت نگاشته است، ثبت کرد (دهقانی، ۱۴۰۱: ص ۲۱). پس از وی نیز مستشرقان مهم و به نام دیگری همچون ایگناز گلدزیهر، مارتین کرامر، هانری کرین، ژوزف الیاش، مونتگمری وات، ویلفرد مادلونگ، اتان کلبیگ، کولین ترنر، دیوید کوک، از جمله اشخاصی بوده‌اند که از سال‌های گذشته تاکنون مسیر تحقیق و پژوهش در موضوع مهدویت و منجی اسلامی را با تلاش و جدیت طی کرده‌اند.

گستره موضوعاتی که در ذیل مفهوم مهدویت مطرح شده، به یک حیطه خاص محدود نمی‌شود و عرصه‌های مختلف تاریخی، اعتقادی، کلامی و ... را شامل می‌شود که در هرکدام از این حیطه‌ها، موضوعات متعدد و در عین حال مستقل قابل طرح و بررسی است. مستشرقان در روند تحقیقات و پژوهش‌هایشان در موضوع مهدویت، غالباً خود را به حیطه و یا موضوع مشخصی محدود نکرده و در بسیاری از مباحث مرتبط با موضوع مهدویت ورود و اظهار نظر کرده‌اند.

در این بین، از جمله موضوعاتی که مورد توجه عده‌ای از مستشرقان قرار گرفته، بررسی تطبیقی باورداشت مهدویت نزد شیعه و اهل سنت است. مشاهده نمودها و مظاهر خارجی اعتقاد به مهدویت در میان شیعیان و اهل تسنن و همچنین ظهور و بروز جنبش‌هایی با



گرایش‌های مهدی خواهانه موجب شد تا مستشرقان با مراجعه مستقل به منابع شیعی و سنی به بیان وجوه اشتراک و افتراق این دو گروه در موضوع مهدویت بپردازند.

بررسی روند شکل‌گیری اندیشه مهدویت در میان شیعیان و اهل تسنن، از جمله مواردی است که در آثار مستشرقان به وضوح قابل مشاهده است. در مقاله حاضر سعی می‌شود با نگاهی حداکثری به آثار مستشرقان از حدود ۱۵۰ سال قبل تا کنون، به بیان و بررسی دیدگاه‌های آن‌ها در موضوع بررسی تطبیقی شکل‌گیری باورداشت مهدویت نزد فریقین پرداخته شود.

رصد کتاب‌ها و مقالات منتشر شده با محوریت مستشرقان، گویای این مهم است که تا کنون اثر مستقلی در موضوع مورد بحث در این مقاله نگاشته نشده است و بر همین اساس، می‌توان تحقیق پیش رو را به نوعی نخستین تلاش برای پرداخت مستقل به این موضوع دانست.

مهدویت، نظریه‌ای مشترک میان مذاهب اسلامی

منجی آخرالزمانی و باورداشت مهدویت، از جمله مباحثی است که به شیعیان اختصاص ندارد، بلکه بخش مهمی از عقاید اسلامی است و یکی از مسائل ریشه‌داری به شمار می‌آید که در تمام فرقه‌ها و مذاهب اسلامی از جایگاه والا و ویژه‌ای برخوردار است. روایات و مستندات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه افزون بر منابع شیعی در بسیاری از کتب مرجع اهل سنت نیز به وفور یافت می‌شود. بر همین اساس می‌توان گفت باورداشت مهدویت از جمله مشترکاتی است که شیعیان و اهل تسنن بر آن تأکید فراوانی دارند.

محدثان و عالمان اهل تسنن، همچون محدثان شیعی از گذشته به نقل اخبار این موضوع همت گماشته‌اند. محدثان و دانشمندانی همچون صنعانی (م ۲۱۱ ق)، ابن ابی شیبیه (م ۲۳۵ ق)، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق)، ابن ماجه (م ۲۷۳ ق)، ابی داود (م ۲۷۵ ق)، ترمذی (م ۲۹۷ ق)، حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق)، ابن اثیر (م ۶۰۶ ق)، سبط بن جوزی (م ۶۵۴ ق)، ابن تیمیه (م ۷۲۸ ق) هیثمی (م ۸۰۷ ق)، سیوطی (م ۹۱۱ ق)، ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴ ق) و متقی هندی (م ۹۷۵ ق) همگی از جمله اشخاصی بوده‌اند که به نقل روایات مهدوی در کتاب‌های خود پرداخته‌اند (اکبرنژاد، ۱۳۸۸، ص ۳۳).

هرچند سابقه تدوین کتاب‌های حدیثی مستقل در موضوع مهدویت در میان شیعیان به



قرون ۴ و ۵ هجری باز می‌گردد؛^۱ اما در میان اهل سنت نیز آثاری مانند عقد الدرر فی أخبار المنتظر، تألیف مقدسی شافعی در قرن هفتم، البیان فی أخبار صاحب الزمان، نوشته گنجی شافعی و نیز العرف الوردی فی أخبار المهدی، تألیف عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی در قرن دهم، نشان از اهمیت این موضوع نزد ایشان دارد.

گفتنی است هرچند شیعه و اهل تسنن در اصل موضوع مهدویت و همچنین در بسیاری از فروع آن متفق القول هستند؛ در بعضی جزئیات نیز شاهد وجود تفاوت‌هایی هستیم. به عنوان نمونه در نظر شیعیان، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از نسل امام حسین علیه السلام و از فرزندان ایشان هستند؛ (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۷۸)؛^۲ اما در نظر غالب اهل سنت، ایشان از فرزندان امام حسن علیه السلام می‌باشند (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸: ص ۴۵).^۳ وجود چنین اختلافاتی در روایات شیعی و اهل تسنن از امور بدیهی است که نه تنها در این موضوع، بلکه در بسیاری از موضوعات دیگر نمونه‌های آن را می‌توان دید و البته این اختلافات به اصل اشتراک فریقین در باورداشت مهدویت خللی وارد نمی‌کند.

مستشرقان و نگرش برون دینی و درون دینی به شکل‌گیری باورداشت مهدویت

قیام مهدی سودانی و شعارهای مهدی‌گرایانه او را می‌توان اولین و مهم‌ترین عامل ورود تخصصی مستشرقان به موضوع مهدویت دانست (دهقانی آرانی، ۱۴۰۱: ص ۹۶). مواجهه با مهدویت از دریچه یکی از متمه‌دیان، موجب شد محققان غربی با نگاهی عمیق و دقیق‌تر به بررسی اصل شکل‌گیری اندیشه مهدویت در اسلام بپردازند. مطالعه و بررسی آثار پژوهشگران غربی از حدود دو سده قبل، در زمینه شکل‌گیری مهدویت، ما را به دو حیطه اساسی و مهم رهنمون می‌سازد که مورد بحث مستشرقان قرار گرفته است: ۱. نگاه برون دینی به اسلام در این موضوع و بررسی اصالت مهدویت و منجی‌گرایی در مطلق دین اسلام (فارغ از تفاوت نگاه شیعه و سنی)؛^۲ ۲. نگاه درون دینی به نظریه

۱. دو کتاب الغیبه نعمانی و کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق در قرن چهارم و کتاب الغیبه شیخ طوسی در قرن پنجم نگاشته شده است.

۲. قال امیرالمومنین: «إن الذی یصلی عیسی ابن مریم خلفه هو الثاني عشر من العترة التاسع من ولد الحسین بن علی علیه السلام».

۳. قال علی علیه السلام: «و نظر إلى ابنه الحسن، فقال: إن ابني هذا... و سیخرج من صلبه یسمی باسم نبیکم، یشبهه فی الخلق ولا یشبهه فی الخلق یملأ الأرض عدلاً».

مهدویت در میان مسلمانان و بررسی مقایسه‌ای اصالت مهدویت نزد شیعه و اهل تسنن.

نگاه برون دینی مستشرقان در موضوع شکل‌گیری باورداشت مهدویت

هرچند بررسی دیدگاه‌های مستشرقان و تبیین آرا و اندیشه‌های ایشان در حیطه اول، موضوع اصلی این نوشتار نیست؛ به طور مختصر می‌توان گفت تعداد قابل توجهی از مستشرقان به دلیل وجود شباهت نظریه مهدویت در اسلام با منجی‌گرایی در مسیحیت و یهودیت و حتی زرتشت؛ این موضوع را حاصل‌گرفته برداری مسلمانان از شرایع سابق می‌دانند و هیچ اصلیتی در اسلام برای آن متصور نیستند. به عنوان نمونه، هورگرونیه، منجی‌گرایی اسلامی را متأثر از منابع یهودی/مسیحی می‌داند و معتقد است به دنبال ایجاد سؤالات جدید در میان مسلمانان، آن‌ها به رجوع به کتاب‌های ادیان سابق وادار شدند و بدین ترتیب افسانه‌ها و پیشگویی‌های منابع یهودی و مسیحی به اسلام وارد شد (Hurgronje, 1885, p7).

با پیشرفت مطالعات و تحقیقات مستشرقان در زمینه اسلام و مهدویت در سالیان اخیر، نظریه عدم اصالت باورداشت مهدویت نزد مسلمانان، کم‌رنگ و ملایم‌تر شده است؛ به طور مختصر می‌توان دو اشکال اساسی و مهم را بر قائلان این نظریه وارد دانست:

صرف وجود شباهت بین دو مفهوم هرچند یکی مقدّم و دیگری مؤخر باشد؛ به هیچ عنوان به معنای گرفته‌برداری یکی از دیگری نیست. اعتقاد به منجی و نجات‌بخش نهایی نیز از جمله مواردی است که در تمامی شرایع الهی وجود داشته و این، ناشی از فطری بودن این اعتقاد در بین انسان‌ها و ریشه‌دار بودن این شرایع در امری واحد و الهی است (قنبری، ۱۳۸۵: ص ۳۱). اگر استدلال مستشرقان در این زمینه مورد پذیرش واقع شود، باید در تمامی مباحث مشترک دیگر، همچون توحید و معاد نیز بدان ملتزم شد و این اعتقادات در اسلام را غیر اصیل و حاصل‌گرفته‌برداری از شرایع یهود و مسیحیت دانست.

اصل اعتقاد به منجی آخرالزمانی در اسلام همانند ادیان سابق وجود داشته؛ اما در بسیاری از جزئیات و کارکردها متفاوت است و همین امر اثبات نظریه گرفته‌برداری را سخت و مشکل می‌سازد. وجود چنین موضوعی حتی در میان مستشرقان مغفول نمانده است و شخصی همچون فرنیش ضمن بیان شباهت‌های منجی اسلامی و منجی مسیحیت و یهودیت، آن را



دارای مؤلفه‌هایی کاملاً متمایز از شرایع سابق می‌داند و در نهایت، اصیل بودن این اندیشه را در اسلام نتیجه‌گیری می‌کند (فرنیش، ۱۳۸۴: ص ۲۲۲).

نگاه درون دینی مستشرقان به شکل‌گیری نظریه مهدویت در میان شیعه و اهل تسنن

همان‌گونه که بیان شد، ورود مستشرقان به عرصه تحقیق در موضوع اصالت مهدویت در دو حیطه برون‌دینی و درون‌دینی صورت گرفته است. اکنون به حسب اقتضای موضوع مقاله، به طور مفصل به حیطه دوم، یعنی بررسی نظرات مستشرقان در شکل‌گیری موضوع مهدویت نزد شیعه و اهل تسنن پرداخته می‌شود. تحلیل و بررسی شکل‌گیری باورداشت مهدویت و منجی‌خواهی در میان شیعیان و اهل تسنن و مقایسه تطبیقی این دو با یکدیگر، از جمله موضوعات مهمی بوده که مورد توجه مستشرقان قرار گرفته است. مطالعه رویدادهای تاریخی صدر اسلام، مراجعه به منابع فریقین و مواجهه با جریان‌ها و مدعیان معاصر مهدویت، همگی موجب شده تا غالب مستشرقان در مقایسه و تطبیق پیدایش نظریه مهدویت در فریقین، به یکی از دو نظریه اصلی معتقد باشند و بخشی از ایشان به نفوذ اندیشه مهدویت از شیعه به اهل تسنن و گروه دیگر به استقلال اهل تسنن در گرایش به این عقیده (و عدم نفوذ از شیعه) نظر بدهند. در ادامه، ضمن بیان تفصیلی نظریات مستشرقان در این زمینه، به بررسی و نقد آن‌ها پرداخته خواهد شد.

نظریه ۱. نفوذ اندیشه مهدویت از شیعه به اهل تسنن و عدم اصالت نزد این گروه

تعدادی از محققان غربی، باورداشت مهدویت را امری اصالتاً شیعی دانسته‌اند که در گذر زمان در میان اهل سنت نیز رواج پیدا کرده است. به عنوان نمونه پیتر کلارک می‌نویسد: ایده مهدویت در اصل و ریشه، یک دکترین شیعی است که اسلام سنی و ارتدوکس آن را اخذ کرده و تغییر داده است. به نظر می‌رسد ریشه این مفهوم به مبارزه و کشمکش خانوادگی بین علی، داماد پیامبر و معاویه پس از ترور عثمان بازگشت دارد. مخالفان رژیم اموی که به نام شیعه شناخته شدند، گرچه از تحقق آرمان اولیه خود بازماندند؛ این آرمان را در بازگرداندن خلافت به نسل علی (اهل‌البیت) ادامه دادند (Clarke, 1980, p.323).

برنارد دیوو نیز معتقد است ایده مهدویت در اسلام ارتدوکس (اسلام سنی) نیز نفوذ کرد و اگرچه



تغییر یافته و کم فروغ شده؛ تا امروز نیز از قدرت خود برخوردار است. به باور او، بسیاری اوقات، مسلمانان در زمان‌های تحت ظلم در انتظار انسانی آسمانی هستند؛ یعنی مهدی باید در روزهای سخت بیاید تا زمین را از اسلام پر و ایشان را آزاد کند (Vaux, 1898, pp.191-192).

جان ول، مستشرق دیگری است که این نظریه را به طور ضمنی پذیرفته است و چنین بیان می‌کند: آمدن مهدی در آخرالزمان اغلب در نگاه آخرالزمانی شیعی شناسایی شده است؛ ولی در طول تاریخ اسلام جنبش‌های مهدی‌گرای سنی نیز ظهور و بروز داشته‌اند. منجی‌گرایی مهدی‌خواه، همچنان به عنوان بخش مهمی از چشم‌انداز تجدید حیات امت اسلامی باقی ماند (Voll, 2000, p.546).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، قائلان به این نظریه، وجود اندیشه مهدویت در اهل سنت را منکر نیستند، بلکه آن را عنصری غیر اصیل می‌دانند که در گذر زمان از فرهنگ شیعه به اهل تسنن نفوذ کرده است. نفوذ این باورداشت در میان اهل سنت از دیدگاه این گروه از مستشرقان، معلول علت‌های مختلفی بوده است. به عنوان نمونه، پطروشفسکی علت سرایت این اعتقاد از شیعه به عموم مسلمانان را همسویی این باور با آرزوهای قشرهای پایین جامعه اسلامی دانسته است و می‌نویسد:

فکر ظهور امام مهدی با امیدهای عامه مردم - پیشه‌وران و روستاییان و فقیران - در امید به یک تحول اجتماعی تلفیق یافت.... تشیع شکل عقیدتی بیان آرزوهای عامه مردم و اعتقاد به رجعت امام مهدی، فکر تحول اجتماعی است که شکل مذهبی به خود گرفته است. امام مهدی در تصور مردم همچون تغییردهنده سازمان اجتماعی و نجات‌دهنده از احتیاج و مصیبت و ظلم مجسم بوده است. ظهور مهدی مسیحا صفت، یعنی کسی که سازمان اجتماعی را دگرگون سازد و نیز تقدیس شهیدان از هر چیز دیگری [نزد مردم] جالب‌تر و گیراتر بوده است (پطروشفسکی، ۱۳۶۳: ص ۲۸۳).

مهم‌ترین اشکال این دسته از مستشرقان، تمرکز صرف بر تاریخی‌نگری و دوری از نگرش پدیدارشناسانه و عدم تلاش برای فهم دقیق باورهای درونی اسلام است. نگرش ناقص و اشتباه به خاستگاه مهدویت توسط ایشان موجب شده است تا ناکامی‌های ظاهری شیعیان در چند سده آغازین اسلام را عاملی برای شکل‌گیری اندیشه مهدویت در میان آنان بدانند. عده‌ای از این افراد همچون کولین ترنر، ژوزف یاش، مارگولیو و یان ریچارد در دیدگاه‌هایی تقریباً همسو و البته با تقریرهای متفاوت، اوضاع و تنگناهای سیاسی اجتماعی حاکم بر شیعیان صدر اسلام را عامل اصلی ایجاد اندیشه مهدویت در میان آنان می‌دانند. در این نگرش ایجاد باور مهدویت معلول علتی تعریف شده



که این علت تنها در میان شیعیان وجود داشته است و در نتیجه چون در میان اهل سنت آغازین این علت متصور نیست؛ مهدویت ریشه اعتقادی نزد ایشان ندارد و بعدها وارد عقاید این فرقه شده است.

نظریه ۲. مهدویت اندیشه اصیل و ریشه‌دار در فریقین

در مقابل نظریه قبل که باورداشت مهدویت نزد اهل سنت را وامدار ورود آن از فرهنگ شیعیان می‌دانست؛ تعداد قابل توجهی از مستشرقان، وجود این باورداشت نزد اهل تسنن را موضوعی غیر وارداتی و اصیل نزد ایشان می‌دانند. ریشه‌دار بودن مهدویت در سخنان و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از مهم‌ترین دلایل مورد توجه این گروه از محققان غربی در بیان این نظریه بوده است. کاندرا با اشاره به موضوع غیبت امام مهدی علیه السلام نزد شیعیان می‌نویسد: اعتقاد به شخصی غایب، باوری مهم نزد شیعیان بوده است؛ ولی این باور که شخصی هدایت شده یا امام مهدی درگفته‌های [حضرت] محمد وعده آمدنش داده شده، در اعتقادات اهل سنت نیز موجود است (Conder, 1884, p.643).

مونتگمری وات نیز با بیانی صریح وجود اندیشه مهدویت نزد اهل سنت از روزهای آغازین، چنین بیان می‌کند: «اگرچه ایده مهدی ارتباط نزدیکی با شیعه دارد؛ ولی این باور از روزهای آغازین در میان اهل سنت نیز محبوب بوده است» (Watt, 1985, p.116). در همین زمینه یوهانان فریدمن در نتیجه‌گیری پایانی کتاب «اندیشه‌ها و جنبش‌های مسیحایی (منجی‌گرایانه) در اسلام سنی» با بیانی صریح و آشکار، اندیشه مهدویت را از مشترکات ابتدایی فریقین می‌داند و اختصاص اولیه آن را به شیعیان مردود می‌شمارد:

مطالبی که در این باب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، روشن می‌سازد که اندیشه مهدی در فروع مختلف، به شیعه منحصر نیست، بلکه بخشی پر جنب و جوش از عقیده اهل تسنن نیز هست. این اندیشه به عنوان یک نجات‌دهنده در هر دو شاخه اسلام وجود داشته است؛ اما در هر یک از آن‌ها ویژگی‌های متمایزی دارد (Friedmann, 2023, p.53).

عده‌ای دیگر از این مستشرقان به رغم این که مدعی هستند در قرآن نکته صریحی در موضوع مهدویت وجود ندارد؛ به تواتر و اشتراک احادیث مهدویت نزد فریقین اذعان می‌کنند. پیتر کلارک می‌گوید:

اگرچه بسیاری از اسلام‌گرایان در این نکته متفق‌اند که قرآن هیچ اشاره مشخصی به مفهوم مهدی‌گرایی ندارد؛ این ایده‌ای است که قرن‌ها در تفکر عمومی مسلمانان، نقش اصلی ایفا کرده است (Clarke, 1980, p.322).

فیلیو نیز روایات حاکی از این که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از نسل پیامبر صلى الله عليه وآله و همنام او بوده و جهان را از عدالت پر می‌کند؛ دارای سابقه طولانی در شیعه و اهل سنت می‌داند و اذعان می‌کند این احادیث پایه عقیدتی اصلی را در ادعاهای منجی‌گرایانه در اهل تسنن داشته است (Filiu, 2012, p.59).

در این بین چند تن از مستشرقان در بررسی تطبیقی شکل‌گیری مهدویت نزد فریقین، نه تنها به استقلال اهل سنت در این موضوع قائل شده‌اند؛ بلکه نقطه آغازین این باورداشت را کاملاً متفاوت از شیعیان دانسته‌اند. این امر تا بدان جا پیش رفته است که حتی برخی ادعا کرده‌اند منجی آغازین اهل سنت، همان عیسی مسیح، منجی مسیحیان بوده است! کاندر در این زمینه می‌نویسد:

مهدی از جانب برخی غربیان اشتبهاً به عنوان «منجی مسلمانان» خوانده شده است؛ در حالی که بنا بر اعتقادات مسلمانان سنی، عیسی مسیح - خداوندگار ما - همان مسیحا و منجی واقعی مسلمانان نیز می‌باشد که آمدنش یکی از نشانه‌های قیامت محسوب می‌شود (Conder, 1884, p.644).

هورگرونیه نیز منشأ اعتقاد به منجی و مهدی بودن مسیح در میان اهل تسنن متقدم را حدیث «لامهدی الا عیسی» دانسته است و بیان می‌کند رویارویی و تقابل ایشان با منجی‌گرایی شیعی موجب تغییر نگرش آن‌ها در دوران بعد شده است. وی معتقد است هنگام نگارش آثار و مجامع حدیثی اهل سنت، نوعی سازگاری و همخوانی میان منجی‌گرایی فریقین ایجاد شد و اعتقاد به مهدی بودن عیسی رنگ باخت و به عقیده‌ای تبدیل گشت که با اعتقاد شیعیان همخوانی داشت. در این اعتقاد جدید، مهدی و عیسی دو شخصیت مستقل دانسته شدند که تنها در زمان ظهور در کنار هم قرار خواهند گرفت (Hurgronje, 1885, p16).

همان‌گونه که از مجموع نظریات مذکور هویداست، بسیاری از مستشرقان اعتقاد به مهدویت را نزد اهل تسنن، باوری ابتدایی و غیر وارداتی از شیعه می‌دانند. قابل ذکر است عدم احادیث مهدویت در دو کتاب مرجع اهل سنت، یعنی صحیح مسلم و صحیح بخاری و همچنین نبود آیاتی در قرآن که آشکارا به موضوع مهدویت بپردازد، از جمله مهم‌ترین اشکالاتی است که مستشرقان در نظریه عدم اعتقاد ابتدایی اهل تسنن به موضوع مهدویت بدان پرداخته‌اند.



در مورد ادعای عدم اشاره قرآن به مهدویت، می‌توان اولاً، به آیات متعددی همچون ۵ قصص، ۵۵ نور و ۱۰۵ انبیاء اشاره کرد که مطابق دیدگاه قریب به اتفاق مفسران شیعه و اهل سنت به موضوع مهدویت و دوران آرمانی پس از ظهور پرداخته‌اند.^۱ علاوه بر این اشارات و تصریحات، ذکر این نکته ضروری است که بسیاری عقاید و احکام اسلامی در میان فریقین در سنت و احادیث نبوی ریشه دارند و با توجه به ارجاع خود قرآن به تبعیت از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همه مسلمانان بدان معتقد هستند و عمل می‌کنند. نظر به تصریح روایات متعدد در منابع شیعه و اهل سنت به موضوع مهدویت، در پذیرش این باور میان غالب مسلمانان اختلافی نیست.

جالب توجه آن است که برخی از مستشرقان، در مقابل این ادعا موضع گرفته‌اند. به عنوان مثال، دیوید کوک در پاسخ به اشکال عدم آیات مربوط به مهدویت در قرآن، در بیانی نسبتاً جامع، یک فصل مستقل از کتاب «مطالعه‌ای در نگاه آخرالزمانی مسلمانان» را به این موضوع اختصاص داده است. او با تتبع در میان تفاسیر معتبر شیعه و اهل تسنن، به رد ادعای مطرح شده پرداخته است و بیان می‌کند ۴۹۲ آیه از آیات قرآن دلالت‌های آخرالزمانی و منجی‌گرایانه دارند. از این تعداد ۱۴۸ مورد فقط در آثار اهل سنت، ۶۳ مورد مشترک میان شیعه و سنی و ۲۸۱ مورد به طور انحصاری در منابع شیعی آمده است (Cook, 2002, P 175-183).

در پاسخ به اشکال عدم ذکر احادیث مهدویت در صحیح بخاری و مسلم، علاوه بر پاسخ‌های متعددی که علمای مسلمان بدان داده‌اند؛ پاسخ‌هایی از سوی بعضی مستشرقان بیان شده است. به عنوان نمونه، یوهانان فریدمن در کتاب خود ضمن اشاره به عدم ذکر احادیث مهدوی در کتب صحیحین نزد اهل سنت، این مهم را نافی وجود اندیشه مهدویت نزد ایشان نمی‌داند؛ زیرا در کتاب‌های مرجع دیگر آنان، همچون مستند احمد بن حنبل، سنن ابوداود و سنن ترمذی این روایات به وضوح و متعدد یافت می‌شود. از سوی دیگر، در کتاب المستدرک علی الصحیحین که به نوعی تکمله صحیحین می‌باشد، شاهد وجود روایات موضوع مهدویت هستیم. این

۱. در این زمینه می‌توان به کتاب‌های متعددی که در این باره تدوین شده است، اشاره کرد؛ کتاب‌هایی همچون بررسی تطبیقی آیات مهدویت و شخصیت‌شناسی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام (نجاززادگان، انتشارات سمت، ۱۳۸۹) و یا سیر تطور دیدگاه مفسران درباره آیات مهدویت (عبدی چاری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۱).

مستشرق وجود این مطالب را دال بر این می‌داند که نبود اندیشه مهدویت در کتاب‌های صحیحین مورد قبول همه اهل حدیث سنی مذهب نبوده است (Friedmann, 2023, p53).

مستشرقان و مشترکات باور مهدویت نزد فریقین

در میان آثار و مکتوبات مستشرقان در موضوع مهدویت، مواردی وجود دارد که آن‌ها به بیان مشترکات میان اهل تسنن و شیعیان اشاره کرده‌اند که در ادامه به اختصار، چند مورد بیان می‌گردد.

تأثیرگذاری سیاسی اجتماعی باور به مهدویت

مستشرقان با بررسی وقایع تاریخی از صدر اسلام تا دوران معاصر، مبارزه با ظلم و ستم و همچنین امیدبخشی به مسلمانان را از جمله اصلی‌ترین کارکردهای موضوع مهدویت نزد عموم مسلمانان دانسته‌اند. به همین دلیل است که افراد گوناگونی در بسترهای تاریخی مختلف از آن استفاده کرده و توانسته‌اند با شعار مهدویت نزد عده‌ای از مسلمانان مقبولیت پیدا کنند.

رابرت کرامر در جهت اثبات اقبال عمومی مسلمانان به اندیشه مهدویت، تعداد زیاد مدعیان مهدویت را در طول تاریخ اسلام مطرح می‌کند و آرمان‌گرایی اسلامی نزد مسلمانان را از جمله دلایل این اقبال عمومی بر می‌شمارد. وی با اشاره به تعداد پرشمار نهضت‌های مهدی‌گرا در کشورهای مختلف اسلامی، آرمان اصلی آنان را مقابله با فساد حکام معرفی می‌کند. از نظر این مستشرق، مقابله با سلطه سیاسی فرهنگی بیگانگان و همچنین مبارزه با فساد، از جمله کارکردهای مشترک در تمامی نهضت‌های مهدی‌خواه بوده است (کرامر، ۱۳۸۳: ص ۱۹۸ - ۱۹۹).

برنارد دیوو، نیز مستشرق دیگری است که در این زمینه قلم زده است. به باور وی، در بسیاری از اوقات مسلمانان وقتی زیر یوغ ظلم و ستم قرار گرفته‌اند، انتظارهای آنان برای رسیدن منجی آسمانی و الهی بیش‌تر شده است. وی ظهور دو جریان مهدی‌سودانی و محمد مهدی سنوسی^۱ را در بستر همین فضای اجتماعی تحلیل می‌کند و زمینه ادعای این دو شخص را سختی‌ها و

۱. محمد مهدی سنوسی در اواسط قرن نوزدهم از مغرب زمین ادعای مهدویت کرد. وی قبل از مرگ اعلام کرد، خود او مهدی منتظر نیست؛ بلکه پسرش بعد از وی همان مهدی موعود است (فقیه ایمانی، ۱۴۱۸: ص ۱۵۱).



فشارهای وارده بر مسلمانان آن مناطق بر می‌شمارد (Vaux, 1898, pp 191-192).
گفتنی است هرچند عمده دلیل مستشرقان در بیان این کارکرد، به بررسی‌ها و تحلیل‌های تاریخی مستند بوده است؛ این مهم، موضوعی است که در روایات فریقین به کثرت و وفور یافت می‌شود و در بسیاری از احادیث، به صراحت کارکرد حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه مبارزه با ظلم و جور و گسترش عدالت معرفی شده است (به عنوان نمونه ر.ک: سنن ابی داود، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۱۸۳۱، ح ۴۲۸۳ و کمال الدین، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۱۰). به دیگر سخن، نمود این کارکرد در مهدی‌گرایی مسلمانان امری بوده که به دلیل کثرت روایات وارد شده در مورد آن، مورد توجه و آگاهی ایشان قرار گرفته است و مسلمانان همواره منتظر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بوده‌اند تا با تشکیل حکومت ایشان، وعده‌هایی همچون نظامی به تمام معنا عادلانه تحقق یابد. این اتفاق موجب شد تا در طول تاریخ، عده‌ای از مدعیان مهدویت از این انتظار عمومی سوء استفاده کنند و در بسترهایی که عده‌ای مورد ظلم واقع شده بودند، قیام و موفقیت‌هایی را نیز کسب کنند.

ظهور متهمدیان در میان اهل سنت و شیعیان

در میان موضوعات مرتبط با مهدویت، ظهور متهمدیان یا مدعیان مهدویت از دیگر مواردی است که در آثار مستشرقان برای هر یک از دو گروه مسلمانان ذکر شده است. در این زمینه نمونه‌های بسیاری قابل اشاره است (از جمله ر.ک: دهقانی، ۱۴۰۱: ص ۸۴-۹۹ و ۱۸۵-۱۸۸ و ۳۱۵-۲۹۸ و ۴۵۱-۴۷۱)؛ نیز به عنوان نمونه یوهنان فریدمن که استاد ممتاز مطالعات اسلامی در دانشگاه عبری اورشلیم و استاد کالج شالم در اسرائیل است؛ کتابی در همین موضوع با عنوان اندیشه‌ها و جنبش‌های مسیحایی (منجی‌گرایانه) در اسلام سنی^۱ در سال ۲۰۲۲ منتشر کرده که موضوع اصلی آن، بررسی چهار شخصیت از مدعیان دروغین مهدویت - ابن تومرت، سیدمحمد جانپوری، محمد احمد سودانی و میرزا غلام احمد قادیانی - نزد اهل تسنن است. از سوی دیگر، در مکتوبات افرادی مانند زئوف ماگن مشاهده می‌کنیم که وی در مورد ظهور



1. Messianic Ideas and Movements in Sunni Islam

مدعیان مهدویت در طول تاریخ شیعیان و مقابله با آن‌ها سخن گفته است. وی معتقد است شیعیان روش‌های مقابله و سرکوب این متمه‌دیان را به دانش و مبنای علمی تبدیل کرده‌اند تا بتوانند در مقابل این مدعیان دروغین از آن استفاده کنند (Maghen, 2008, p.22-23).

وجود احادیث مهدویت نزد شیعه و اهل سنت

از دیگر موضوعاتی که در میان مستشرقان، از جمله مشترکات نزد اهل تسنن و شیعیان ذکر شده، وجود و قبول احادیث مهدویت نزد هر دو گروه است. به عنوان نمونه، الیور لیمن احادیث مهدویت نزد اهل تسنن را در حد تواتر می‌داند (Leaman, 2011, p.62) و یا گلدزیهر وجود احادیث مهدویت نزد اهل تسنن را امری ثابت و قطعی بیان می‌کند (Goldziher, 1981, pp.198-202). از سوی دیگر، در مورد وجود احادیث مهدویت نزد شیعیان و ذکر این احادیث در تراث متقدم شیعی مستشرقان سرشناسی همچون اتان کلبیگ، مؤیر بار آشر، دیوید کوک و دیگران سخن گفته‌اند و به تحلیل و بررسی این احادیث و منابع پرداخته‌اند.

گفتنی است تعداد زیادی از این مستشرقان با نگرش انتقادی به سراغ منابع حدیثی در موضوع مهدویت رفته‌اند؛ اما آنچه در این مقام مهم است، اذعان تمام این اشخاص به وجود احادیث موضوع مهدویت در تراث معتبر روایی اهل تسنن و شیعیان است.

مستشرقان و تفاوت‌های باور مهدویت نزد فریقین

همان‌گونه که گذشت، اشتراک فریقین در اصل اعتقاد به موضوع مهدویت و همچنین اشتراک در کارکردهای آن نزد مسلمانان، از جمله موضوعاتی است که محققان غربی در آثار و مکتوبات خود بدان اشاره دارند. البته در برخی از آثار شاهد هستیم که علاوه بر وجوه اشتراک، به بیان پاره‌ای از اختلافات شیعه و اهل سنت در فروع این مسئله اشاره شده است که در ذیل به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود. قابل ذکر است در این مقام، به بیان این موارد بسنده شده و در مورد صحت یا غلط بودن آن‌ها بحث نمی‌گردد.

1. Meir Bar-Asher

الف) وجود جزئیات دقیق‌تر و جایگاه والاتر مهدویت نزد شیعه

برخی مستشرقان همچون لیمن معتقدند که مهدویت نزد شیعیان، دارای مطالب و شاخصه‌های دقیق‌تر و جزئی‌تری نسبت به نمونه آن نزد اهل سنت می‌باشد. این مستشرق با بررسی و مقایسه بین مهدویت نزد فریقین به این نتیجه رسیده که مهدویت در هندسه معارفی شیعه دارای جایگاهی عمیق‌تر و والاتر نسبت اهل سنت است (Leaman, 2011, p.62). گلدزیهر نیز در مقام مقایسه این اندیشه در میان فریقین، موضوع مهدویت را اصلی مهم در تشیع می‌داند و معتقد است:

اسلام شیعی، زمینه‌ای مساعد برای پرورش باورهای مهدوی پدید آورد. باور به مهدی به نهایت درجه خود نزد شیعه رشد یافت تا آن‌جا که در تمام سیستم شیعی ریشه دواند... عقیده آمدن مهدی در آینده جهان نزد شیعیان در مرکز اهمیت قرار دارد و این باور ستون فقرات سیستم شیعی است (Goldziher, 1981, pp 199-200).

مستشرقان دیگری مانند فیلو (Filiu, 2012, p.XI)، ضمن بیان عظمت و جایگاه اندیشه مهدویت نزد اهل تسنن، آن را در حد و قامت شیعه نمی‌دانند و بر محوریت این نظریه نزد شیعیان و احترام ویژه‌ای که برای آن قائل هستند، اشاره می‌کنند.

ب) تأکید بیش‌تر بر عدالت‌محوری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در تشیع

از دیگر اختلافاتی که مستشرقان در آثار خود بدان اشاره کرده‌اند، تفاوت در انعکاس و تأکید بر عدالت‌محوری حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نزد فریقین است. دیوید کوک در بیان مقایسه عدالت‌محوری در نگرش آخرالزمانی شیعه و اهل سنت، این عقیده را نزد شیعه دارای قوت بیش‌تری می‌داند که بر آن تأکید ویژه‌ای در آموزه‌های این مذهب می‌شود. وی در ادامه در تحلیل و بررسی چرایی این موضوع بیان می‌کند، این موضوع که شیعیان در طول تاریخ قربانی بی‌عدالتی بوده‌اند و به همین دلیل همواره مشتاق تحقق عدالت در آخرالزمان هستند، نمی‌تواند صرفاً دلیلی بر برجسته بودن عدالت‌محوری در نگرش آخرالزمانی شیعه باشد، بلکه علت اصلی این امر، مصمم بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان نسبت به اجرای عدالت در جامعه به هر قیمتی بوده است (دهقانی، ۱۳۹۸: ص ۱۹۰).



ج) تفاوت نگاه فریقین در اتفاقات آخرالزمانی

تمرکز ویژه هریک از دو گروه شیعه و اهل سنت نسبت به بخشی از وقایع مرتبط با ظهور و دیگر رخداد‌های آخرالزمانی؛ مورد توجه و تأکید تعدادی از مستشرقان بوده است. به عنوان نمونه، دیوید کوک تمرکز و نگرش محوری شیعه در وقایع پس از ظهور را در مواردی مانند شیوه حکومت امام، عدالت امام و مواردی از این قبیل می‌داند؛ در حالی که مباحث اهل سنت در این زمینه بیش‌تر بر جنگ‌ها و تصرفات پس از ظهور و بررسی آن‌ها بوده است (Cook, 2011, p128). فیلیو نیز مدعی نادیده گرفته شدن مبارزه آخرالزمانی عیسی علیه السلام و دجال در منابع شیعی و به جای آن، پررنگ شدن مبارزه مهدی علیه السلام و سفیانی که شخصیتی سنی و اهل سوریه است، می‌باشد (Filiu, 2012, p163).

قابل ذکر است با توجه به رویکرد بسیاری از مستشرقان نسل گذشته در رجوع به منابع اهل سنت و کم‌توجهی به منابع شیعی، بسیاری از ایشان اتفاقات آخرالزمانی را از منظر این فرقه اسلامی مورد توجه قرار داده‌اند؛ به عنوان مثال، آرمند ایبل در مقاله‌ای در مورد گفتمان آخرالزمانی مسلمانان، به موضوعاتی همچون دجال، دابة الارض و یاجوج و ماجوج اشاراتی کرده (Abel, 1954, pp.31, 42 & 34 و یا در مدخل دجال که در دایرة المعارف اسلام نوشته و در آن به موضوعات مختلف مربوط به این حقیقت آخرالزمانی، از جمله بستر روایی آن پرداخته (Idem, 1965, pp.76-77)، عمده استفاده و ارجاعش به مجامع حدیثی سنی بوده است و طبیعتاً برخی از نگاه‌ها در مورد این عناوین در نظر فریقین متفاوت می‌باشد. جالب توجه آن است حتی دونالدسون که کتابش را با عنوان مذهب شیعه در ایران و عراق تألیف کرده است، بازهم هنگام پرداختن به علائم آخرالزمانی و بحث مفصلی که در مورد ظهور و ماهیت دجال، بازگشت عیسی علیه السلام و ارتباط آن با ظهور امام مهدی علیه السلام دارد (Donaldson, 1933, pp.239-240)؛ استناد مطالبش به منابع اهل سنت است و داستان صائد بن صید را هم از کتاب‌هایی همچون مسند احمد و صحیح ترمذی نقل کرده است.



نتیجه‌گیری

موضوع منجی‌خواهی، از جمله اعتقادهای مشترک بین غالب ادیان و مذاهب است و هر شریعتی به تناسب آموزه‌های خود شخصی را به عنوان ناجی آخرالزمانی معرفی کرده است. در دین مبین اسلام و در میان شیعیان و اهل تسنن نیز اعتقاد به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در آخرالزمان، از جمله اعتقادات اساسی و بنیادین است. در این میان، وجود پاره‌ای اختلاف‌ها و تفاوت‌ها در فروع این موضوع موجب شده است عده‌ای از مستشرقان ماهیت ابتدایی مهدویت را در فریقین متفاوت بدانند و به تفاوت در منشا شکل‌گیری آن قائل شوند و عده‌ای دیگر نیز فارغ از این بحث، صرفاً به بیان تفاوت‌ها و مشترکات موضوع مهدویت نزد شیعیان و اهل تسنن بپردازند. دقت نظر و مواجهه صحیح و اصولی با این موضوع مهم برای محققان روشن می‌کند منشأ این اندیشه در دین مبین اسلام از همان ابتدا و در بیانات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وجود داشته و باور مهدویت، اعتقاد اصیل میان هر دو گروه شیعه و اهل سنت بوده است. البته برخی اختلافات در مورد این باورداشت و جزئیات آن میان فریقین وجود دارد که مستشرقان به تعدادی از آن‌ها اشاره کرده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به اوضاع کنونی جامعه جهانی، لازم است متصدیان امور، با محور قرار دادن این باور اصیل و مشترک، زمینه وحدت و همدلی را بیش از پیش میان شیعیان و اهل تسنن در سراسر عالم فراهم کنند تا بتوان گام‌های مؤثر و همگرایانه‌تری در جهت آمادگی برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در جوامع اسلامی و حتی فراتر از آن برداشت.



منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، الاسلامیه.
۲. ابوداود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰). *سنن ابوداود*، قاهره، دارالحدیث.
۳. اکبرنژاد، مهدی (۱۳۸۸). *بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت*، قم، بوستان کتاب.
۴. پطروشفسکی، ایلیا پولویچ (۱۳۶۳). *اسلام در ایران: از هجرت تا پایان قرن نهم هجری*، مترجم: کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام.
۵. الدسوقی، محمد (بی تا). *الفکر الإستشراقی: تأریخه و تقویمه*، قم، موسسه التوحید للنشر.
۶. دهقانی آرانی، زهیر (۱۳۹۸). *بررسی و نقد آراء مستشرقان معاصر در زمینه مهدویت*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. _____ (۱۴۰۱). *سیر تحول نگاه مستشرقان به موضوع مهدویت در ۱۵۰ سال اخیر*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. فرنیش، تیموتی آر. (پاییز و زمستان ۱۳۸۴). «*دکترین مهدویت و چالش هزاره گرای*»، مترجم: بهروز جندقی، انتظار موعود، شماره ۱۷، ص ۲۱۲-۲۲۳.
۹. فقیه ایمانی، مهدی (۱۴۱۸ق). *اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن*، قم، مؤلف.
۱۰. قنبری، آیت (۱۳۸۵). *آینده جهان در نگاه ادیان*، تهران، نمایندگی ولی فقیه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اداره آموزش های عقیدتی سیاسی.
۱۱. کرامر، رابرت اس. (بهار و تابستان ۱۳۸۳). «*مهدی*»، مترجم: بهروز جندقی، انتظار موعود، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۱۹۷-۲۰۰.
۱۲. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸ق). *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، قم، مسجد مقدس جمکران.
13. Abel, Armand. *Changements politiques et littérature eschatologique dans le monde musulman*. *studiaislamica Studia Islamica*, (2), 23-43, 1954.
14. _____. AL-DJJAL. In *Encyclopædia of Islam*, 2nd Edition (Vol. 2, pp. 76-77). Leiden: Brill, 1965.
15. Clarke, P. B. *Islamic Millenarianism in West Africa: A "Revolutionary" Ideology?* *Religious Studies*, 1980, p,16(3).



16. Cook, David. *Waiting For The Twelfth Imam: Contemporary Apocalyptic Shiite Literature And Speculation In Lebanon And Iran*. In *Fundamentalism in the Modern World Vol 1: Fundamentalism, Politics and History: The State, Globalisation and Political Ideologies*" By Ulrika Martensson, 2011.
17. _____. *Studies in Muslim apocalyptic*. Princeton, N.J.: Darwin Press, 2002.
18. Conder, Claude Reignier. (1884). *The Guide of Islam*. *The Living Age*, 160, 643-649.
19. Donaldson, Dwight M. *The Shi'ite Religion: a history of Islam in Persia and Irak*. London: Luzac and Company, 1933.
20. Filiu, Jean-Pierre. *Apocalypse in Islam*. (M. B. DeBevoise, tran.). Berkeley, Calif.; London: University of California Press, 2012.
21. Friedmann, Yohanan. *Messianic Ideas and Movements in Sunni Islam*. Oneworld Academic, 2022.
22. Goldziher, Ignác. *Introduction to Islamic theology and law*. (A. Hamori & R. Hamori, trans.). New Jersey: Princeton University Press, 1981.
23. Hurgronje, Christiaan Snouck. *Der Mahdi*. [Erscheinungsort nicht ermittelbar: [Verlag nicht ermittelbar],1885.
24. Leaman, oliver. (2011). *The Mahdi as a Source of Doctrinal Differentiation in Islam*. *The Bright Future*,6,60-74
25. Maghen, Ze 'ev. (2008). *Occultation in Perpetuum: Shi'ite Messianism and the Policies of the Islamic Republic*. *The Middle East Journal*, 62(2), 232-257.
26. Vaux, Bernard Carra de. *Le mahométisme, le génie sémitique et le génie aryen dans l'Islam*. Paris: LIBRAIRIE HONORÉ CHAMPION, 1898.
27. Voll, John Obert. *Foundations for Renewal and Reform: islamic movements in the eighteenth and nineteenth centuries*. In *The Oxford history of Islam* (pp. 509-547). Oxford: Oxford Univ. Press, 2000.
28. Watt, W. Montgomery. *Islamic philosophy and theology*. Edinburgh: Edinburgh University Press, 1985.